



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ / بهمن / ۱۳۹۸

موضوع کلی: نواهی

مصادف با: ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۴۱

موضوع جزئی: اجتماع امر و نهی - تنبیهات - تنبیه اول: عبادات مکروهه -

راه حل اجمالی محقق خراسانی

جلسه: ۷۹

سال یازدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تنبیه اول

تنبیه اول پیرامون عبادات مکروهه است. در جلسه قبل توضیح دادیم که چرا مسئله عبادات مکروهه به عنوان یک تنبیه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دلیل پرداختن به آن چیست، همچنین اشاره شد که هم قائلین به جواز اجتماع و هم قائلین به امتناع باید مشکلی که در عبادات مکروهه وجود دارد را حل کنند.

قائلین به امتناع قهرا از این باب که این موارد در واقع نقض بر نظر آن‌ها محسوب می‌شود باید به این حل این نکته بپردازند، مثل محقق خراسانی که معتقد است اجتماع حکمین شرعیین فی واحد ممتنع است باید مشکل کراهت نماز در حمام را حل کند، باید پاسخ دهد که چطور در شرع مواردی مثل نماز در حمام واقع شده است که در آن، دو حکم وجوب و کراهت مجتمع شدند، آن‌هایی که قائل به امتناع هستند چگونه این موارد را توجیه می‌کنند؟

کسانی هم که قائل به جواز هستند نیز به نوعی باید به برخی از این موارد پاسخ دهند و آن‌ها را توجیه کنند، مثل ما که قائل به جواز اجتماع شدیم و اساس و پایه جواز را بر تعدد عنوان‌ها و طبیعت‌ها قرار دادیم، حال بعضی مثل محقق نایینی تعدد مقولتین گفتند، بعضی تعدد عناوین و بعضی تعدد طبیعت را گفتند. بالاخره باید متعلق امر و نهی متعدد شوند در حالیکه در این موارد می‌بینیم که تعددی در کار نیست و یک عنوان بیشتر نیست. پس ضرورت توجیه این موارد که شامل عبادات مکروهه و نماز در مسجد که وجوب و استحباب در آن اجتماع کردند می‌شود روشن است، اما سؤال این است که چگونه می‌خواهیم این موارد را حل کنیم.

راه حل اجمالی محقق خراسانی

محقق خراسانی یک پاسخ اجمالی به این مشکل دادند و یک پاسخ تفصیلی. در مقام پاسخ اجمالی ایشان سه وجه را ذکر کردند. برای حل این مشکل اول پاسخ اجمالی محقق خراسانی را بیان و بررسی می‌کنیم و بعد سراغ بیان تفصیلی ایشان می‌رویم.

وجه اول

اگر به دلیل عقلی قطعی برایمان ثابت شد که اجتماع امر و نهی ممتنع است، اجتماع الحکمین اعم از وجوب و حرمت ممتنع است، در مواجهه با چنین مواردی باید در دلیلی که دال بر اجتماع دو حکم فی واحد هست به نوعی تصرف و آن را توجیه کنیم. زیرا از یک طرف دلیل عقلی قطعی بر امتناع داریم که مو لای درز آن نمی‌رود و از این طرف این ادله مفادش اجتماع دو حکم است. در تصادم و مواجهه یک دلیل قطعی غیر قابل تصرف و ظهور دلیل دیگر که باب تصرف در آن باز است قهرا باید در ظاهر این دلیل

تصرف کنیم، در این‌ها به حسب ظاهر اجتماع دو حکم شده است، اما باید به نوعی این مسئله را حل کنیم که با آن حکم قطعی عقل منافات نداشته باشد.

ایشان می‌گوید: بالاخره ما یک دلیل قطعی اقامه کردیم که اجتماع امر و نهی و اجتماع دو حکم ممتنع است، حال در این موارد قهرا به حسب مورد باید تصرف در ظاهر هر کدام کنیم.

وجه دوم

این اشکال نه تنها متوجه قائلین به امتناع است، بلکه قائلین به اجتماع هم باید به این اشکال پاسخ دهند. به عبارت دیگر این اشکال مشترک الورد است. به هر حال مسئله اجتماع الحکمین فی واحد ممتنع دانسته شده است، ما می‌گوییم اگر عنوان هم متعدد باشد تعدد عنوان لایکفی برای اجتماع، اما قائلین به جواز معتقدند که تعدد عنوان برای جواز اجتماع کافی است، ولی هر دوی ما بر این امر اتفاق نظر داریم که اگر عنوان واحد باشد اجتماع امر و نهی ممتنع است، یعنی هم قائلین به جواز اجتماع و هم قائلین به امتناع اجتماع، در یک نقطه با هم اتفاق نظر دارند و آن اینکه اگر عنوان واحد باشد امکان اینکه اجتماع فی واحد پیش بیاید وجود ندارد، هر دو بر امتناع اجتماع الحکمین فی شیء واحد به عنوان واحد متفقند و بر این توافق دارند و این مواردی که این‌جا ذکر شده است، همه از این قبیلند، یعنی عنوان واحد دارند و دو عنوان نیستند. در نماز در دار غصبی دو عنوان بود، یک عنوان نمازی و یک عنوان غصبی، درست است که این‌ها فی شیء واحد در خارج تصادق پیدا کردند، یعنی هم غصب بر این صادق است و هم نماز، ولی به هر حال قائل به جواز ادعا می‌کرد که امر به عنوان نماز خورده است و نهی به عنوان غصب ولی در مانحن فیه ما دو عنوان نداریم.

در نماز در حمام، نماز قطعاً مأمور به است که عنوان مستقلی است و طبق قول قائلین به جواز عنوان نماز خودش می‌تواند متعلق امر واقع شود، در این مشکل و بحثی نیست اما سوال این است که عنوان دوم کجاست؟ کون فی الحمام فی نفسه اگر خودش به عنوان یک موضوع مستقل متعلق کراهت بود، فارغ از اینکه در قالب نماز باشد یا غیر نماز، می‌توانستیم بگوییم دو عنوان است، اما ادله، کون فی الحمام را مکروه ندانستند، پس ما عنوان مستقلی به عنوان کون فی الحمام نداریم که متعلق نهی ولو نهی تنزیهی واقع شده باشد، آن چیزی که متعلق نهی واقع شده، نماز در حمام است، نماز در حمام یک عنوان است ولی متفاوت از عنوان نماز نیست، فوقش این است که عنوان کلی نماز متعلق امر است، عنوان نماز با قید فی الحمام متعلق نهی، پس یک عنوان بیشتر نیست، حال یک عنوان که هر دو نماز است چطور می‌تواند هم متعلق امر باشد و هم متعلق نهی؟ درست است که یکی مطلق است و یکی مقید، اما یکی مطلق نماز است و یکی نماز مقید به قید کون فی الحمام، درست است که هر دو نماز است و یکی مطلق و یکی مقید، اما بالاخره مطلق و مقید باهم تنافی ماهوی و تغایر ماهوی ندارند. اینطور نیست که عنوان مقید غیر از عنوان مطلق باشد، مقید همان مطلق است به اضافه یک قید. کسانی که قائل به جواز هستند با مثل این مورد چه می‌کنند؟ پس محقق خراسانی می‌گویند: این مشکل فقط متوجه ما نیست بلکه متوجه قائلین به جواز نیز می‌باشد، در موارد دیگر نیز همین‌طور است. در صوم فی یوم العاشورا نیز همین مشکل وجود دارد.

در صوم روز عاشورا نیز امر به مطلق صوم تعلق گرفته است و نهی از صوم یوم العاشورا، صوم یوم العاشورا عنوانی غیر از مطلق صوم نیست، یعنی یک عنوان بیشتر وجود ندارد. لذا قائلین به جواز نیز دچار مشکل می‌شوند، زیرا آن‌ها برای قول به جواز، تکیه کردند بر تعدد عنوان و اینجا مسئله تعدد عنوان مطرح نیست و کذلک در نماز در مسجد که اجتماع وجوب و استحباب شده است،

آنجا نیز اگر دو حکم بخواهند اجتماع کنند باید دو عنوان باشد، آنجا نیز دو عنوان نیست فوقش این است که یکی مطلق نماز است و یکی نماز مقید که عبارت است از نماز در مسجد و بین مطلق و مقید تنافی ماهوی وجود ندارد. پس محقق خراسانی می‌گوید: این اشکال نه تنها متوجه ما می‌شود بلکه متوجه قائلین به جواز نیز می‌شود، لذا ایشان می‌خواهد بگوید این مطلب را به عنوان اشکال بر قول به امتناع نمی‌توانید وارد کنید.

وجه سوم

محقق خراسانی می‌فرماید: بحث ما در مسئله اجتماع امر و نهی مربوط به جایی است که مندوحه وجود دارد، اگر خاطرتان باشد ما قبلا به این مطلب اشاره کردیم که موضوع بحث در مسئله اجتماع امر و نهی جایی است که مندوحه و چاره وجود دارد، در نماز در دار غصبی فرض این است که کسی که در دار غصبی می‌خواهد نماز بخواند چاره دارد که نماز را در غیر دار غصبی نیز بخواند، یعنی اصلا موضوع بحث مربوط به جایی است که شخص نمازگذار هم امکان خواندن نماز در خانه غصبی را دارد و هم می‌تواند در یک مکان مباح نماز بخواند، این موضوع بحث است که آیا اجتماع امر به نماز و نهی از غصب فی واحد با وجود قید مندوحه یعنی در فرض راه چاره ممکن است یا خیر؟ اما در این موارد اصلا مندوحه وجود ندارد، در نماز در حمام یا صوم یوم العاشورا اصلا بحث مندوحه معنا ندارد، زیرا یک روز بیشتر به نام روز عاشورا نیست یا این صوم مثلا مأمور به است یا منهی عنه، حال به نحو استحبابی یا تنزیهی، اینجا دیگر معنا ندارد که مکلف می‌تواند این روزه را تبدیل کند به روزه یک روز دیگر، البته در نماز در حمام مندوحه است، یعنی مکلف می‌تواند در حمام نماز بخواند یا بیرون حمام، که داخل در بحث ما قرار می‌گیرد، ولی در مثل روزه روز عاشورا که قید مندوحه وجود ندارد، از بحث ما خارج است. یعنی بالاجماع اجتماع الحکمین المتنافیین یا متغایرین فی واحد ممتنع است و همه قبول دارند که صوم یوم العاشورا چون قید مندوحه ندارد از مورد بحث اجتماع امر و نهی خارج است، اما اینکه چرا خارج است، بعضی می‌گویند از باب تضاد است، می‌گویند: چون دو حکم در آن مجتمع شده است و احکام خمسسه تکلیفیه با هم متضاد هستند، اجتماع در آن ممتنع است و بعضی می‌گویند: از باب تراحم و عدم امکان امتثال است، می‌گویند: اصلا امتثال این دو حکم ممکن نیست، امتثال این دو حکم و امر و نهی فی واحد امکان ندارد، حال باید یکی را ترجیح دهیم و راهی پیدا کنیم.

پس محقق خراسانی در وجه سوم در واقع می‌خواهد بگوید که بعضی از مواردی که شما به عنوان اشکال به ما وارد کردید و ذکر کردید از موضوع بحث خارج هستند، زیرا بالاجماع اجتماع در این موارد ممتنع است، یعنی هم ما قبول داریم و هم شما و سر آن نزاعی نداریم که بخواهیم مشکلی را حل کنیم.

خلاصه راه حل اجمالی

پس ایشان سه وجه و سه پاسخ اجمالی به اشکالی که به محقق خراسانی شده ذکر می‌کند، محصل این سه پاسخ اجمالی این شد که اولاً: باتوجه به اینکه ما دلیل عقلی قطعی بر امتناع داریم باید در ظواهر ادله این عبادات تصرف کنیم، حال یک توجیهی برایشان پیدا می‌کنیم؛ ما به خاطر یک دلیل ظنی از یک دلیل قطعی دست بر نمی‌داریم.

ثانیا: این اشکال مشترک الورد است. هم به قائلین به امتناع و هم به قائلین به اجتماع. به قائلین به امتناع از همان زاویه‌ای که شما گفتید وارد است، اما به قائلین به جواز از این جهت وارد است که اساسا اینجا ما دو عنوان نداریم، در این موارد یک عنوان بیشتر نیست، آن‌ها خودشان نیز قائلند که در جایی که عنوان متعدد نباشد اجتماع ممتنع است.

ثالثاً: به طور کلی در مسئله اجتماع بحث در جایی است که قید مندوجه وجود داشته باشد، یک راه فرار و چاره‌ای قابل تصویر باشد، اما بعضی از این مواردی که شما مثال زدید راه چاره‌ای ندارد.

برترین اعمال

قال رسول الله (ص): «أَفْضَلُ الْعَمَلِ أَدْوَمُهُ وَ إِنْ قَلَّ»^۱

برترین اعمال با دوام ترین و مستمرین اعمال است اگر چه کم باشد.

این حدیث در واقع اشاره دارد به یک سنت الهی. البته این حدیث به مسیر حق و اعمال حق و صالحه اشاره دارد، اما اینکه گفتیم: یک سنت است، بالاخره در مسیر باطل هم استمرار عمل منجر به موفقیت و نتیجه می‌شود. ما نوعاً مبتلا هستیم به بریدگی و تقطیع در کارهایمان، کارهای خیر را با انگیزه و نیت شروع می‌کنیم، با حرارت در ابتدا وارد کاری می‌شویم اما کم کم سرد می‌شویم و آن کار را رها می‌کنیم، این مشکل در امور درسی و علمی ما حاکم است، در امور اجتماعی ما حاکم است، در رفتار فردی ما این مشکل سیطره دارد. خیلی زود از کاری زده و خسته می‌شویم. این یک آفت بسیار بزرگی است برای انسان که کارش را نیمه کاره رها کند، کارهایش را در اوقات محدودی انجام دهد، آن کارهای اساسی که سرنوشت و آینده انسان به آن بستگی دارد. اینکه حضرت می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعَمَلِ أَدْوَمُهُ وَ إِنْ قَلَّ»؛ می‌خواهد بگوید: یک کار کوچک اگر استمرار داشته باشد از کار بزرگ غیر مستمر ارزشش بیشتر و بالاتر است، حال این افضلیت هم از حیث آثار دنیوی است و هم از حیث آثار اخروی، فرق هم نمی‌کند. ما عرض کردم این روایت ناظر به اعمال صالحه است، یک کار کوچک مستمر هم در دنیا نتیجه‌اش بیشتر است، هم ثواب اخروی آن بیشتر است تا کاری که بزرگ باشد و استمرار نداشته باشد. البته بعضی از کارها ذاتاً قابلیت استمرار ندارند، مثل احداث بنا که بعد از احداث بنا تمام می‌شود، اما اعمالی که قابلیت استمرار دارند مثل نماز اول وقت خواندن و حسن خلق داشتن و صبر و شکیبایی داشتن، اینکه ما در یک موضعی صبر کنیم و بعد دیگر صبرمان تمام شود و جزع و فزع کنیم، روحیه شکر و تواضع، درس خواندن و تلاش علمی. ممکن است کسی در یک مقطع یک تلاش علمی قابل ستایشی انجام دهد ولی بعد آن را رها کند. در روایت دیگری داریم که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْمُدَاوِمَةُ الْمُدَاوِمَةُ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِعَمَلِ الْمُؤْمِنِينَ غَايَةً إِلَّا الْمَوْتَ»^۲؛ مداومه مداومه، پی‌گیری و استمرار، چرا؟ چون خداوند تبارک و تعالی برای عمل مؤمنین پایانی قرار نداده است مگر موت، یعنی تا وقتی انسان زنده است باید تلاش کند، انسان تا زنده است باید بدود، تا زنده است باید کار کند، «فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِعَمَلِ الْمُؤْمِنِينَ غَايَةً إِلَّا الْمَوْتَ» این یعنی تلاش و کوشش و خستگی ناپذیری و دوندگی.

با این تنبلی‌هایی که ما داریم و جامعه ما دارد و ضعمان معلوم است، آدم تنبل نه تنها به جایی نمی‌رسد بلکه آنچه را هم که دارد تزییع می‌کند، ما عادت داریم که یک موفقیت کوچک که در یک جا پیدا می‌کنیم، می‌نشینیم به این موفقیت کوچک خیره می‌شویم و فکر می‌کنیم دیگر این پایان کار است و غرق لذت در این موفقیت می‌شویم. نمی‌دانیم هر موفقیتی آغاز یک حرکت و تلاش دیگری است. از هر کدام شما سنی گذشته است، واقعا انسان فکر می‌کند اگر در عمر خود، بیست سال یا ده سال، اگر کاری را روزانه پنج دقیقه برایش وقت صرف کرده باشد، مثل حفظ روایت و یا مطالعه روایتی یا تفسیر یا تاریخ، آنچه که برای ما لازم است،

^۱ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۳.

^۲ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۳۰، حدیث ۱۷۷.

یک حجم وسیعی از اطلاعات و دانش را بدون اینکه فشاری بیاید در ذهن خود داشتیم، ولی برنامه‌های ما معمولاً این طور است که در عرض دو یا سه روز یا یک هفته می‌خواهیم همه چیز را یاد بگیریم، در خورد و خوراکمان نیز همین‌طور است، در رفاقت نیز همین‌طور است، در همه چیز این‌طور هستیم، شل کن صفت کن شدیم، این است که نمی‌توانیم ارتفاع بگیریم، مثل اینکه نردبانی گذاشتیم و دائماً از آن، یک پله می‌رویم بالا و یک پله می‌آییم پایین. عمرمان به همین صورت می‌گذرد و آخرش هم می‌بینیم که هنوز به قله نرسیدیم، هر گامی باید مبنای گام بعدی باشد. مفید نبودن، در بین ملت ما بیداد می‌کند. در احوال بعضی از ملت‌ها نگاه کنید، آنچه از برخی از ملت‌ها گزارش می‌شود همه‌اش عیاشی نیست، کار و تلاش است، استفاده از وقت است، بله همه‌گونه انسان در همه‌جا پیدا می‌شود، این کار و تلاش است که ملت‌ها را به قله‌های بلند مادی و معنوی می‌رساند. استعدادهای خوبی وجود دارد که باید از آن استفاده شود. بهانه نیز نباید بیاوریم که گرفتاریم، گاهی انسان دنبال بهانه‌هایی برای تنبلی خودش است، گرفتاری واقعا زیاد است ولی مراقب باشیم که این‌ها بهانه‌هایی برای تنبلی نباشد.

«والحمد لله رب العالمین»